



شناسایی و رتبه‌بندی ابعاد دانشگاه مأموریت‌محور در دانشگاه‌های استان مازندران

<p>شيوه استناددهی: فخری، سکینه، صالحی، محمد، و عنایتی، ترانه. (۱۴۰۴). شناسایی و رتبه‌بندی ابعاد دانشگاه مأموریت‌محور در دانشگاه‌های استان مازندران. یادگیری هوشمند و تحول مدیریت، ۳(۴)، ۱-۱۸.</p>	<p>تاریخ چاپ: ۱ آبان ۱۴۰۴ تاریخ پذیرش: ۲۰ مهر ۱۴۰۴ تاریخ بازنگری: ۱۲ مهر ۱۴۰۴ تاریخ ارسال: ۱۰ تیر ۱۴۰۴</p>	<p>سکینه فخری^۱ محمد صالحی^۲ ترانه عنایتی^۲</p>
---	--	---

چکیده

هدف پژوهش حاضر شناسایی و رتبه‌بندی ابعاد دانشگاه مأموریت‌محور در دانشگاه‌های استان مازندران به منظور تبیین مؤلفه‌های کلیدی تحقق مأموریت‌گرایی در نظام آموزش عالی بود. این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر روش آمیخته اکتشافی (کیفی-کمی) بود. در بخش کیفی از نظریه داده‌بنیاد و در بخش کمی از روش توصیفی-پیمایشی استفاده شد. جامعه آماری در بخش کیفی شامل ۲۰ نفر از اساتید، خبرگان دانشگاهی و مدیران باسابقه دانشگاه‌های استان مازندران بود که ۱۲ نفر با نمونه‌گیری هدفمند و بر اساس اشباع نظری انتخاب شدند. در بخش کمی، جامعه شامل ۵۸۷۸ عضو هیئت علمی دانشگاه‌ها بود که ۳۶۱ نفر با نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای بر اساس فرمول کوکران انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها شامل مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و پرسشنامه محقق‌ساخته ۴۵ سؤالی در قالب طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت بود. روایی صوری، محتوایی و سازه ابزار تأیید شد و پایایی با آلفای کرونباخ بالاتر از ۰.۷۰ احراز گردید. تحلیل داده‌ها با کدگذاری نظری، تحلیل عاملی تأییدی و آزمون فریدمن انجام شد. نتایج تحلیل عاملی تأییدی نشان داد مدل دانشگاه مأموریت‌محور دارای هفت بعد شامل تحقیق و توسعه، همکاری با صنعت، آموزش و یادگیری، نوآوری و کارآفرینی، بین‌المللی‌سازی، مدیریت دانش و خدمات اجتماعی است و تمامی روابط بین سازه‌ها معنادار بودند ($t > 1.96$). ضرایب استاندارد ابعاد بالاتر از ۰.۷۰ گزارش شد که بیانگر برازش مناسب مدل مفهومی است. نتایج آزمون فریدمن تفاوت معنادار میان رتبه ابعاد را نشان داد ($p < 0.05$) به گونه‌ای که بین‌المللی‌سازی بالاترین رتبه و همکاری با صنعت پایین‌ترین رتبه را کسب کرد. یافته‌ها نشان دادند مأموریت‌گرایی دانشگاهی نیازمند تمرکز همزمان بر ابعاد علمی، نوآورانه، اجتماعی و بین‌المللی است و تقویت بین‌المللی‌سازی می‌تواند به‌عنوان پیشران اصلی ارتقای کیفیت آموزش عالی، توسعه تعاملات علمی و افزایش نقش دانشگاه‌ها در توسعه پایدار منطقه‌ای عمل کند.

واژگان کلیدی: دانشگاه مأموریت‌محور، بین‌المللی‌سازی، نوآوری دانشگاهی، مدیریت دانش، آموزش عالی

مشخصات نویسندگان:

۱. گروه مدیریت آموزش عالی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران
۲. گروه مدیریت آموزشی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران

پست الکترونیکی: Mohammad.Salehi@iau.ac.ir

© ۱۴۰۴ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است.

انتشار این مقاله به‌صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی CC BY-NC 4.0 صورت گرفته است.



Identifying and Ranking the Dimensions of Mission-Oriented Universities in Universities of Mazandaran Province

Sakineh Fakhri¹
Mohammad Salehi^{2*}
Taraneh Enayati²

Submit Date: 01 July 2025
Revise Date: 04 October 2025
Accept Date: 12 October 2025
Publish Date: 23 October 2025

How to cite: Fakhri, S., Salehi, M., & Enayati, T. (2025). Identifying and Ranking the Dimensions of Mission-Oriented Universities in Universities of Mazandaran Province. *Intelligent Learning and Management Transformation*, 3(4), 1-18.

Abstract

The present study aimed to identify and rank the dimensions of mission-oriented universities in the universities of Mazandaran Province in order to clarify the key components required for mission-driven transformation in higher education. This applied study adopted an exploratory mixed-method (qualitative–quantitative) design. Grounded theory was employed in the qualitative phase and a descriptive-survey approach was used in the quantitative phase. The qualitative population consisted of 20 university professors, experts, and senior administrators, from which 12 participants were selected through purposive sampling based on theoretical saturation. The quantitative population included 5,878 faculty members, and 361 participants were selected through stratified random sampling using Cochran's formula. Data collection tools included semi-structured interviews and a researcher-made 45-item questionnaire using a five-point Likert scale. Face, content, and construct validity were confirmed, and reliability coefficients exceeded 0.70. Data analysis was conducted using theoretical coding, confirmatory factor analysis, and the Friedman ranking test. Confirmatory factor analysis confirmed a seven-dimension structure of mission-oriented universities consisting of research and development, industry collaboration, teaching and learning, innovation and entrepreneurship, internationalization, knowledge management, and social services. All factor loadings were significant ($t > 1.96$) and standardized coefficients exceeded 0.70, indicating satisfactory model fit. Friedman test results revealed significant differences among dimension rankings ($p < 0.05$), with internationalization ranked first and industry collaboration ranked last. The findings indicate that mission-oriented universities require an integrated focus on scientific development, innovation capacity, social engagement, and global interaction, while strengthening internationalization can serve as a strategic driver for improving higher education quality, expanding academic collaboration, and enhancing universities' contributions to sustainable regional development.

Keywords: *Mission-oriented university, internationalization, university innovation, knowledge management, higher education*

Authors' Information:

Mohammad.Salehi@iau.ac.ir

1. Department of Higher Education Management, Sar.C., Islamic Azad University, Sari, Iran
2. Department of Educational Management, Sar.C., Islamic Azad University, Sari, Iran



© 2025 the authors. This is an open access article under the terms of the [CC BY-NC 4.0 License](https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/).

مقدمه

در دهه‌های اخیر، نظام آموزش عالی در سراسر جهان با تحولات بنیادینی مواجه شده است که ناشی از پیچیده‌تر شدن مسائل اجتماعی، اقتصادی، فناورانه و زیست‌محیطی است. دانشگاه‌ها دیگر صرفاً نهادهایی برای آموزش و تولید دانش نظری محسوب نمی‌شوند، بلکه به بازیگران کلیدی توسعه پایدار، نوآوری اجتماعی و حل مسائل پیچیده جامعه تبدیل شده‌اند. در چنین شرایطی، الگوی «دانشگاه مأموریت‌محور» به عنوان یکی از مهم‌ترین پارادایم‌های نوین حکمرانی آموزش عالی مطرح شده است؛ الگویی که دانشگاه را از یک سازمان آموزشی منفعل به نهادی مسئله‌محور، پاسخگو و اثرگذار در سطح جامعه ارتقا می‌دهد (Kazemi et al., 2023).

افزایش انتظارات اجتماعی از دانشگاه‌ها سبب شده است که نقش سنتی آموزش و پژوهش به‌تنهایی پاسخگوی نیازهای معاصر نباشد. دانشگاه‌های قرن بیست‌ویکم باید علاوه بر تولید علم، در حل چالش‌هایی مانند تحول دیجیتال، تغییرات اقلیمی، توسعه منطقه‌ای، نابرابری اجتماعی و اقتصاد دانش‌بنیان مشارکت فعال داشته باشند. از این منظر، مأموریت‌گرایی دانشگاهی نه یک انتخاب بلکه ضرورتی راهبردی برای بقا و اثربخشی نظام آموزش عالی محسوب می‌شود (Jamali Zavareh et al., 2023). این تحول مستلزم بازتعریف مأموریت دانشگاه‌ها بر اساس نیازهای واقعی جامعه و پیوند نظام‌مند میان آموزش، پژوهش و عمل اجتماعی است.

مفهوم دانشگاه مأموریت‌محور ریشه در تحول سیاست‌های نوآوری دارد؛ جایی که سیاست‌گذاری علمی از رویکرد «پشتیبانی عمومی از پژوهش» به سمت «نوآوری مأموریت‌گرا» حرکت کرده است. در این چارچوب، دولت‌ها و نهادهای علمی اهداف مشخص اجتماعی و اقتصادی را تعیین کرده و دانشگاه‌ها به عنوان موتورهای اصلی تحقق این اهداف ایفای نقش می‌کنند. پژوهش‌ها نشان می‌دهد سیاست‌های نوآوری مأموریت‌گرا می‌توانند ظرفیت‌های علمی را به سمت حل مسائل واقعی هدایت کنند و کارایی سرمایه‌گذاری‌های پژوهشی را افزایش دهند (Liefner et al., 2025).

در همین راستا، تحول دیجیتال و ظهور زیست‌بوم‌های نوآوری نیز اهمیت مأموریت‌گرایی دانشگاهی را دوچندان کرده است. دانشگاه‌ها در عصر دیجیتال باید به مراکز شبکه‌ای نوآوری تبدیل شوند که از طریق فضاها ساخت، آزمایشگاه‌های نوآوری و همکاری‌های چندبازیگری، فرآیند تولید دانش را تسریع می‌کنند. تجربه‌های جهانی نشان می‌دهد که سیاست‌های نوآوری مأموریت‌محور در محیط‌های دیجیتال می‌توانند مقیاس و فضای نوآوری دانشگاهی را به‌طور چشمگیری گسترش دهند (Yang & Hu, 2025).

یکی از بنیان‌های نظری دانشگاه مأموریت‌محور، مفهوم «مأموریت سوم دانشگاه» است که علاوه بر آموزش و پژوهش، بر تعامل فعال دانشگاه با جامعه، صنعت و سیاست عمومی تأکید دارد. اجرای موفق مأموریت سوم مستلزم ایجاد سازوکارهایی برای انتقال فناوری، تجاری‌سازی دانش، مشارکت اجتماعی و توسعه منطقه‌ای است. مطالعات موردی دانشگاه‌های اروپایی نشان می‌دهد که تحقق مأموریت سوم نیازمند تغییرات ساختاری،

فرهنگی و مدیریتی در دانشگاه‌ها است (Treidel & Boichenko, 2024). همچنین تحلیل متن کاوی بیانیه‌های مأموریت دانشگاه‌ها نشان می‌دهد که دانشگاه‌های پیشرو جهان به‌طور فزاینده‌ای بر تعامل اجتماعی، نوآوری و مسئولیت‌پذیری اجتماعی تأکید دارند (Cuesta-Delgado et al., 2024).

از منظر نظری، دانشگاه‌های مدرن بر اساس الگوی «سه مأموریتی» تعریف می‌شوند؛ الگویی که آموزش، تولید دانش و خدمت به جامعه را به‌صورت یک نظام یکپارچه در نظر می‌گیرد. در این چارچوب، دانشگاه نه تنها تولیدکننده سرمایه انسانی بلکه کنشگری فعال در توسعه اجتماعی و اقتصادی محسوب می‌شود (Profiroiu & Popescu, 2024). چنین رویکردی دانشگاه‌ها را به نهادهایی تبدیل می‌کند که توانایی پاسخگویی هم‌زمان به نیازهای علمی، اقتصادی و اجتماعی را دارند.

تحقق مأموریت‌گرایی دانشگاهی مستلزم سازماندهی جدید فعالیت‌های تحقیق و توسعه است. پژوهش‌های اخیر نشان داده‌اند که نوآوری مأموریت‌محور نتیجه کنش جمعی سازمان‌یافته میان تیم‌های پژوهشی، منابع انسانی، زیرساخت‌های دانشگاهی و سرمایه‌گذاری عمومی است. این ساختارهای هماهنگ می‌توانند ظرفیت نوآوری دانشگاه را افزایش داده و خروجی‌های علمی را به نتایج ملموس اجتماعی تبدیل کنند (Li et al., 2025). همچنین تحلیل تحولات پژوهش دانشگاهی در اروپا نشان می‌دهد که سهم پژوهش‌های مأموریت‌محور و کاربردی در حال افزایش است و دانشگاه‌ها به سمت پژوهش‌های مسئله‌محور حرکت می‌کنند (Angori et al., 2024).

با وجود مزایای گسترده، اجرای سیاست‌های مأموریت‌محور با چالش‌هایی نیز همراه است. یکی از مهم‌ترین چالش‌ها، تعارض میان استقلال دانشگاهی و الزامات سیاستی مأموریت‌هاست. برخی دانشگاه‌ها برای مدیریت این تناقض‌ها به راهبردهای تفکیک نهادی یا بازتعریف ساختارهای مدیریتی روی آورده‌اند تا بتوانند میان اهداف علمی و انتظارات اجتماعی تعادل ایجاد کنند (Mouthaan et al., 2024). این مسئله نشان می‌دهد که مأموریت‌گرایی صرفاً یک تغییر مفهومی نیست، بلکه مستلزم تحول نهادی عمیق در حکمرانی دانشگاهی است.

در زمینه ایران نیز توجه به دانشگاه مأموریت‌محور در سال‌های اخیر افزایش یافته است. مطالعات داخلی نشان می‌دهد که نظام آموزش عالی ایران با چالش‌هایی همچون فاصله میان دانشگاه و صنعت، عدم انطباق برنامه‌های آموزشی با نیاز بازار کار و ضعف ارتباط دانشگاه با مسائل واقعی جامعه مواجه است. چارچوب‌های پیشنهادی مبتنی بر رویکرد انطباق تکرارشونده مسئله‌محور نشان می‌دهد که مأموریت‌گرایی می‌تواند مسیر تحول دانشگاه‌های ایرانی را مشخص کرده و هم‌راستایی میان اسناد بالادستی، ظرفیت‌های دانشگاه و نیازهای جامعه را فراهم سازد (Fereidooni, 2023).

از سوی دیگر، شناسایی مؤلفه‌های سازمان‌های مأموریت‌محور در دانشگاه‌های علوم پزشکی ایران نشان داده است که وجود ایدئولوژی سازمانی، جهت‌گیری ارزشی و تعهد نهادی از پیش‌نیازهای اساسی تحقق مأموریت دانشگاهی است. این یافته‌ها بیانگر آن است که مأموریت‌گرایی تنها یک ساختار مدیریتی نیست، بلکه نیازمند فرهنگ سازمانی مبتنی بر مسئولیت اجتماعی و هدف‌گرایی است (Bayat & Moradi, 2022).

همچنین رویکرد حکمرانی آموزش عالی تأکید می‌کند که مأموریت‌گرایی می‌تواند شاخص‌هایی همچون کارایی، پاسخگویی، عدالت آموزشی و مشارکت ذی‌نفعان را تقویت کند. دانشگاه مأموریت‌محور با تعریف روشن اهداف راهبردی، امکان تخصیص بهینه منابع، افزایش اثرگذاری اجتماعی و ارتقای کیفیت نظام آموزش عالی را فراهم می‌آورد (Kazemi et al., 2023). در نتیجه، مأموریت دانشگاه نه تنها بیانگر هویت نهادی بلکه تعیین‌کننده مسیر توسعه آینده آن محسوب می‌شود.

تحولات جهانی همچنین نشان می‌دهد که دانشگاه‌های مأموریت‌محور نقش کلیدی در نوآوری مبتنی بر چالش ایفا می‌کنند. مفهوم «خردمأموریت‌ها» بیان می‌کند که دانشگاه‌ها می‌توانند از طریق پروژه‌های هدفمند کوچک اما راهبردی، مسائل پیچیده اجتماعی را به صورت تدریجی حل کنند. این رویکرد انعطاف‌پذیری دانشگاه‌ها را افزایش داده و امکان پاسخگویی سریع به نیازهای نوظهور جامعه را فراهم می‌سازد (Henderson et al., 2024).

در مجموع، مرور ادبیات نشان می‌دهد که دانشگاه مأموریت‌محور حاصل همگرایی چند روند اساسی شامل تحول سیاست‌های نوآوری، گسترش مسئولیت اجتماعی دانشگاه‌ها، اقتصاد دانش‌بنیان، جهانی‌شدن آموزش عالی و دیجیتالی‌شدن زیست‌بوم‌های علمی است. دانشگاه‌هایی که بتوانند مأموریت‌های خود را به صورت شفاف تعریف کرده و ابعاد عملیاتی آن را شناسایی کنند، قادر خواهند بود نقش مؤثرتری در توسعه منطقه‌ای و ملی ایفا نمایند. با این حال، یکی از خلأهای اساسی در مطالعات موجود، نبود مدل‌های بومی برای شناسایی و اولویت‌بندی ابعاد دانشگاه مأموریت‌محور در بسترهای منطقه‌ای خاص است؛ زیرا شرایط اجتماعی، اقتصادی و نهادی هر منطقه می‌تواند شکل متفاوتی از مأموریت دانشگاهی را ایجاد کند. با توجه به اهمیت فزاینده مأموریت‌گرایی دانشگاهی، ضرورت دارد ابعاد این رویکرد در دانشگاه‌های ایران به صورت تجربی شناسایی و رتبه‌بندی شود تا مبنایی علمی برای سیاست‌گذاری آموزش عالی فراهم گردد. بنابراین هدف پژوهش حاضر شناسایی و رتبه‌بندی ابعاد دانشگاه مأموریت‌محور در دانشگاه‌های استان مازندران است.

روش‌شناسی

این پژوهش، از نظر هدف کاربردی، از نظر نوع داده آمیخته (کیفی-کمی) از نوع اکتشافی و از نظر زمان گردآوری داده‌ها مقطعی می‌باشد. در بخش کیفی، از روش گراندد تئوری و در بخش کمی از روش توصیفی-پیمایشی استفاده شد. جامعه آماری آن را در بخش کیفی اساتید و صاحب‌نظران دانشگاهی و مسئولین باسابقه در دانشگاه‌های استان مازندران که دارای مرتبه علمی دانشیار و بالاتر و دارای سابقه کاری بالای ۱۰ سال

و در زمینه موضوع پژوهش خبره بودند به تعداد ۲۰ نفر و در بخش کمی، کلیه اساتید دانشگاه‌های استان مازندران به تعداد ۵۸۷۸ نفر تشکیل می‌دهند. در بخش کیفی با استفاده از روش نمونه‌گیری غیرتصادفی هدفمند و با در نظر گرفتن قانون اشباع ۱۲ نفر و در بخش کمی براساس فرمول کوکران تعداد ۳۶۱ نفر با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای برحسب مرتبه علمی به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند (جدول ۱).

جدول ۱: تعداد جامعه و نمونه آماری به تفکیک مرتبه علمی

مرتبه علمی	جامعه	نمونه	نسبت
مریی	۱۰۲۸	۶۳	۱۷/۵
استادیار	۱۸۷۹	۱۱۶	۳۲
دانشیار	۱۹۵۴	۱۲۰	۳۳/۲
استاد	۱۰۱۷	۶۲	۱۷/۳
مجموع	۵۸۷۸	۳۶۱	۱۰۰

ابزار گردآوری داده‌ها در بخش کیفی مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته و در بخش کمی پرسش‌نامه محقق ساخته می‌باشد که این پرسش‌نامه دارای ۴۵ سوال و ۷ بعد «تحقیق و توسعه، همکاری با صنعت، آموزش و یادگیری، نوآوری و کارآفرینی، بین‌المللی سازی، مدیریت دانش و خدمات اجتماعی» می‌باشد و در طیف ۵ گزینه‌ای لیکرت (کاملاً مخالفم، مخالفم، بی‌نظرم، موافقم، کاملاً موافقم) طراحی و تنظیم شده و به ترتیب از ۱ تا ۵ نمره‌گذاری می‌شود. روایی صوری و محتوایی ابزار به تایید خبرگان رسید و روایی سازه آن با استفاده از مدل اندازه‌گیری معادلات ساختاری مورد تایید قرار گرفت. با استفاده از تحلیل عاملی تاییدی مشخص شد که آیا سوالات طراحی شده در هر سازه واقعا می‌تواند سازه مورد نظر را بسنجد. برای داشتن روایی باید بین سازه و بعد و بین بعد و شاخص‌های مرتبط با آن همبستگی معناداری وجود داشته باشد و میزان روابط بالاتر از ۰/۵ باشد، در این صورت می‌توان گفت که سوالات مورد نظر از قدرت تبیین خوبی برخوردار هستند. با توجه به نتایج تحلیل عاملی تاییدی مندرج در جدول ۳، میزان بارعاملی تمامی سوالات بالای ۰/۵ و مقادیر t-value نیز بیشتر از ۱/۹۶ می‌باشد و مقدار کای دو به درجه آزادی (χ^2/df)، شاخص جذر برآورد واریانس خطای تقریب و ضریب نیکویی برازش دارای مقادیر مناسب می‌باشند که نشان می‌دهند تحلیل عاملی تاییدی سازه‌های پرسش‌نامه دارای برازش مناسب بوده و سازه‌های پرسش‌نامه به خوبی متغیرهای مربوطه را نشان می‌دهد. لذا روایی سازه ابزار مورد تایید می‌باشد. پایایی ابزارها از طریق ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شد. مقادیر این ضریب برای همه متغیرهای پژوهش بالای ۰/۷ به دست آمد که نشان‌دهنده پایایی بودن ابزار اندازه‌گیری است.

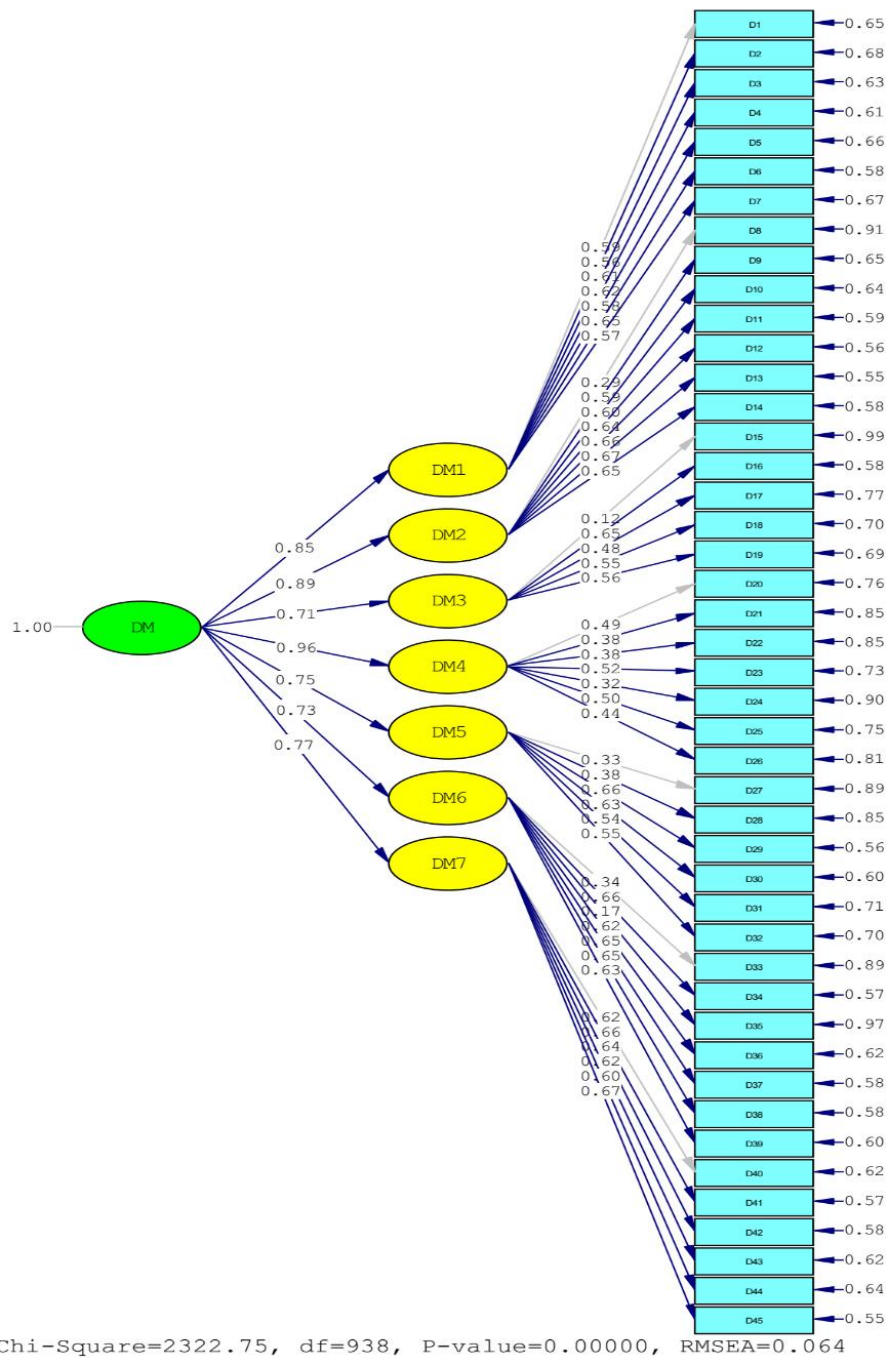
جدول ۲: پایایی ابزارهای گردآوری داده‌ها

متغیرهای پژوهش	آلفای کرونباخ
دانشگاه ماموریت محور	۰/۹۶
تحقیق و توسعه	۰/۹۴
همکاری با صنعت	۰/۸۷
آموزش و یادگیری	۰/۹۰
نوآوری و کارآفرینی	۰/۸۹
بین‌المللی سازی	۰/۹۳
مدیریت دانش	۰/۹۴
خدمات اجتماعی	۰/۹۳

تجزیه و تحلیل داده‌ها در بخش کیفی با کدگذاری نظری بر اساس روش نظریه‌پردازی داده بنیاد انجام شد. این روش شامل تجزیه، مفهوم‌سازی و سازمان‌دهی مجدد داده‌ها برای تدوین نظریه است. سه رکن اصلی این شیوه مفاهیم، مقوله‌ها و قضیه‌ها هستند که بر پایه داده‌های خام شکل می‌گیرند. فرآیند تحلیل داده‌ها شامل وابستگی متقابل بین جمع‌آوری، تنظیم و تحلیل داده‌ها است. برای تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه و مبنای نظری، از سه نوع کدگذاری استفاده شد: ۱- کدگذاری باز - شناسایی و دسته‌بندی مفاهیم اولیه، ۲- کدگذاری محوری - برقراری ارتباط بین مفاهیم، ۳- کدگذاری انتخابی - یکپارچه‌سازی مفاهیم برای ایجاد نظریه. در بخش کمی برای بررسی سوال‌های پژوهش از آزمون‌های تحلیل عاملی تاییدی و فریدمن استفاده شده است. همچنین تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS^{۲۷} و LISREL^{۸۵} انجام گرفت.

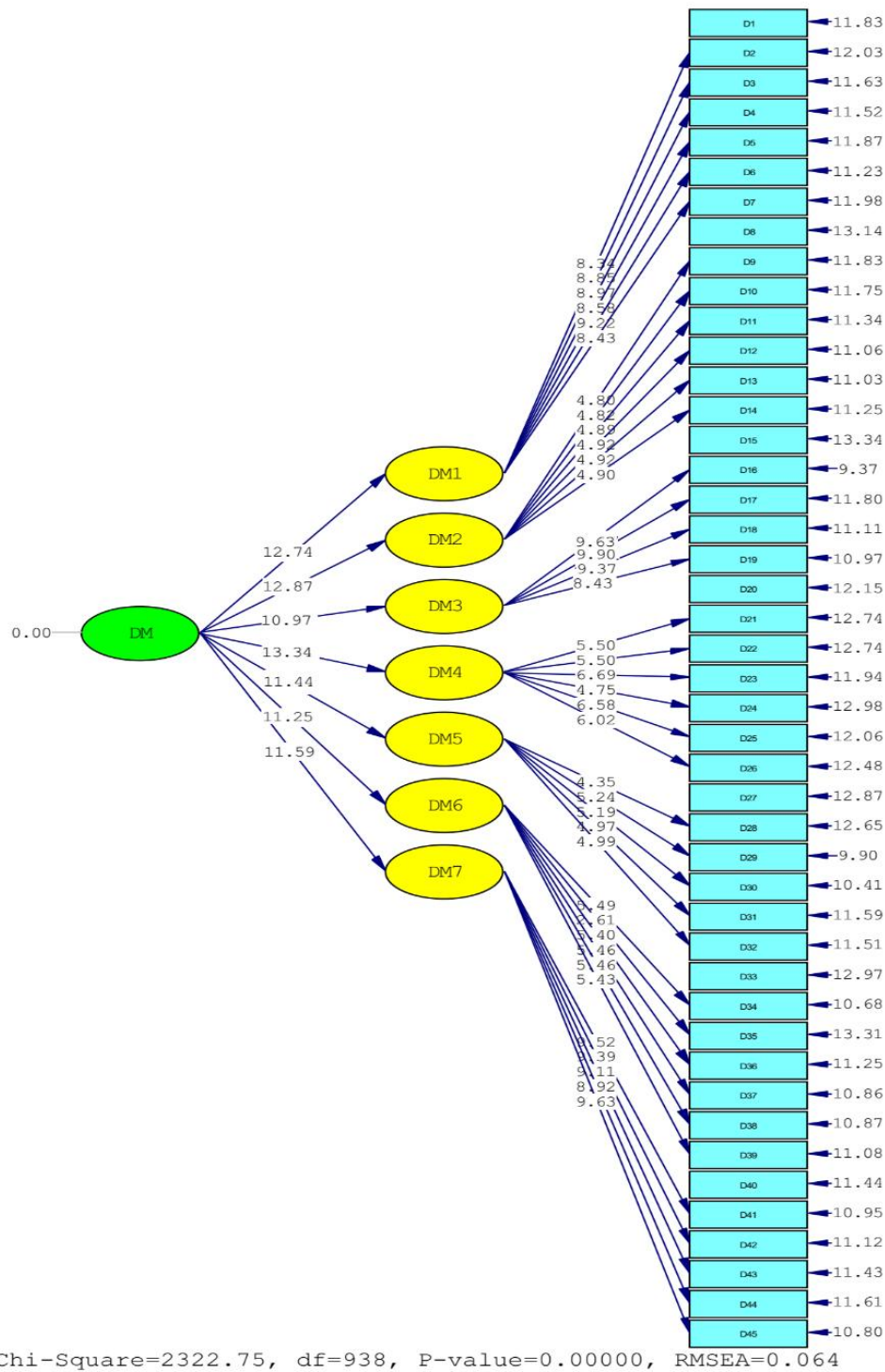
یافته‌ها

در بخش کیفی براساس اطلاعات به دست آمده از طریق مصاحبه با خبرگان و اجرای تحلیل گراند تئوری و تحلیل محتوای مصاحبه‌های پیاده شده و تایپ شده با خبرگان و اختصاص کد جهت شناسایی مضامین مشترک برای تهیه پرسش‌نامه دانشگاه ماموریت محور، پس از اجرای فرایند تلفیق شاخص‌ها، تعداد ۴۵ شاخص در ۷ بعد «تحقیق و توسعه، همکاری با صنعت، آموزش و یادگیری، نوآوری و کارآفرینی، بین‌المللی سازی، مدیریت دانش و خدمات اجتماعی» مورد شناسایی و تأیید قرار گرفت که کمترین میزان توافق با گویه‌های مطرح شده از جانب خبرگان، ۷ و بیشترین میزان موافقت ۱۲ بوده است. در ادامه در نمودارهای ۱ و ۲ و جدول ۳ نتایج تحلیل عاملی تاییدی نشان داده شده است.



شکل ۱: برآورد ضرایب استاندارد در مدل (بارهای عاملی)

شکل: نمودار مسیر با ۷ بیضی (ابعاد اصلی) و ۴۵ مستطیل (گویه‌ها)، مقادیر اعداد روی فلش‌ها بین ۰ تا ۱، همه بارهای عاملی بالای ۰.۵ هستند (چون کمترین موافقت خبرگان ۷ بوده)، بنابراین تمامی ۴۵ گویه از اعتبار لازم برخوردارند و ارتباط قوی با ابعاد خود دارند.



شکل ۲: برآورد ضرایب آزمون t در مدل

همانند نمودار ۱، اما اعداد روی فلش‌ها تغییر کرده، مقادیر: آماره t تی-ولویو، تمامی مقادیر t بزرگتر از ۱.۹۶ هستند (معناداری در سطح ۰.۰۵٪)، یعنی روابط بین ابعاد و گویه‌ها از نظر آماری معنادار است. نتیجه نهایی اینکه مدل ۷ بعدی دانشگاه ماموریت محور با ۴۵ شاخص، تأیید شده و از برازش مناسبی برخوردار است

جدول ۳: نتایج حاصل از یافته‌های تحلیل عاملی تاییدی برای متغیر دانشگاه مأموریت‌محور در سطح معناداری ۰/۰۵

ردیف	متغیرها	کد متغیر	آماره t	ضریب استاندارد
۱	تحقیق و توسعه	DM۱	۱۲/۷۴	۰/۸۵
۲	همکاری با صنعت	DM۲	۱۲/۸۷	۰/۸۹
۳	آموزش و یادگیری	DM۳	۱۰/۹۷	۰/۷۱
۴	نوآوری و کارآفرینی	DM۴	۱۳/۳۴	۰/۹۶
۵	بین‌المللی سازی	DM۵	۱۱/۴۴	۰/۷۵
۶	مدیریت دانش	DM۶	۱۱/۲۵	۰/۷۳
۷	خدمات اجتماعی	DM۷	۱۱/۵۹	۰/۷۷

نتایج تحلیل عاملی تاییدی مندرج در جدول ۳ نشان می‌دهد که؛ در سطح اطمینان ۹۹٪ مقادیر t -value برای ابعاد دانشگاه مأموریت‌محور، در خارج بازه‌ی (۲/۵۸، -۲/۵۸) قرار دارند و میزان ضریب استاندارد برای هر بعد بالاتر از ۰/۷۰ می‌باشد؛ لذا بین متغیر دانشگاه مأموریت‌محور با همه ابعاد آن رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. بالاترین ضریب استاندارد مربوط به بعد نوآوری و کارآفرینی (۰/۹۶) و کم‌ترین ضریب استاندارد مربوط به بعد آموزش و یادگیری (۰/۷۱) است.

در خصوص رتبه‌بندی ابعاد دانشگاه مأموریت‌محور در دانشگاه‌های استان مازندران از آزمون فریدمن استفاده شده است که نتایج آن در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۴: رتبه‌بندی ابعاد دانشگاه مأموریت‌محور در دانشگاه‌های استان مازندران

متغیر	تعداد	آماره خی دو	درجه آزادی	سطح معناداری	میانگین	انحراف معیار	میانگین رتبه - رتبه ای
تحقیق و توسعه					۳/۷۰	۰/۶۶۲	۳/۴۲
همکاری با صنعت					۳/۵۹	۰/۷۷۸	۳/۳۷
آموزش و یادگیری					۳/۷۳	۰/۸۳۲	۳/۸۷
نوآوری و کارآفرینی	۳۶۱	۱۶۷/۱۶۳	۶	۰/۰۰۰	۳/۷۸	۰/۶۸۱	۳/۹۳
بین‌المللی سازی					۴/۱۳	۰/۶۵۱	۵/۱۵
مدیریت دانش					۳/۸۸	۰/۷۲۸	۴/۱۹
خدمات اجتماعی					۳/۸۱	۰/۹۳۱	۴/۰۷

مطابق جدول ۳؛ چون در سطح اطمینان ۹۵٪ و خطای اندازه‌گیری $\alpha=0/05$ سطح معناداری کوچک‌تر از ۰/۰۵ محاسبه شد، لذا تفاوت معناداری در میانگین رتبه‌ای ابعاد دانشگاه مأموریت‌محور وجود دارد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که؛ رتبه‌بندی ابعاد دانشگاه مأموریت‌محور در دانشگاه‌های استان مازندران متفاوت است و بعد بین‌المللی سازی با میانگین رتبه‌ای ۵/۱۵ در رتبه اول و بعد همکاری با صنعت با میانگین رتبه‌ای

۳/۵۹ در رتبه آخر قرار دارد. لذا رتبه‌بندی ابعاد دانشگاه مأموریت محور در دانشگاه‌های استان مازندران به ترتیب عبارتند از: بین‌المللی سازی، مدیریت دانش، خدمات اجتماعی، نوآوری و کارآفرینی، آموزش و یادگیری، تحقیق و توسعه و همکاری با صنعت.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر شناسایی و رتبه‌بندی ابعاد دانشگاه مأموریت‌محور در دانشگاه‌های استان مازندران بود. یافته‌های پژوهش نشان داد که دانشگاه مأموریت‌محور دارای هفت بعد اصلی شامل تحقیق و توسعه، همکاری با صنعت، آموزش و یادگیری، نوآوری و کارآفرینی، بین‌المللی سازی، مدیریت دانش و خدمات اجتماعی است. همچنین نتایج آزمون فریدمن نشان داد میان ابعاد شناسایی شده تفاوت معناداری وجود دارد و بعد بین‌المللی سازی بالاترین رتبه و همکاری با صنعت پایین‌ترین رتبه را کسب کرده است. این یافته‌ها نشان می‌دهد که حرکت دانشگاه‌ها به سوی مأموریت‌گرایی فرآیندی چندبعدی است که نیازمند همگرایی فعالیت‌های آموزشی، پژوهشی، نوآورانه و اجتماعی است.

نخستین یافته پژوهش مبنی بر چندبعدی بودن دانشگاه مأموریت‌محور با رویکردهای نظری جدید آموزش عالی همسو است. در ادبیات جهانی، دانشگاه مدرن به‌عنوان نهادی سه‌مأموریتی معرفی می‌شود که هم‌زمان آموزش، تولید دانش و خدمت به جامعه را دنبال می‌کند. این سه مأموریت در عمل به مجموعه‌ای از سازوکارهای سازمانی شامل نوآوری، تعامل اجتماعی و مدیریت دانش تبدیل می‌شوند (Profiroiu & Popescu, 2024). بنابراین شناسایی ابعاد هفت‌گانه در این پژوهش را می‌توان تبلور عملی همین الگوی نظری دانست که نشان می‌دهد دانشگاه‌های استان مازندران نیز در مسیر گذار از دانشگاه سنتی به دانشگاه مأموریت‌محور قرار گرفته‌اند.

بعد تحقیق و توسعه به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی مدل شناسایی شده، نشان‌دهنده نقش بنیادین پژوهش در تحقق مأموریت دانشگاهی است. مطالعات تطبیقی نشان داده‌اند که تحول دانشگاه‌ها به سمت پژوهش‌های مأموریت‌محور موجب تغییر جهت تحقیقات از تولید صرف دانش به حل مسائل اجتماعی و اقتصادی می‌شود (Angori et al., 2024). همچنین سازمان‌دهی فعالیت‌های تحقیق و توسعه در قالب اقدام جمعی میان تیم‌های پژوهشی و نهادهای بیرونی می‌تواند ظرفیت نوآوری دانشگاه‌ها را افزایش دهد (Li et al., 2025). بنابراین یافته حاضر تأیید می‌کند که تحقیق و توسعه همچنان هسته مرکزی مأموریت‌گرایی دانشگاهی محسوب می‌شود.

یافته دیگر پژوهش مربوط به بعد آموزش و یادگیری است که جایگاه مهمی در ساختار دانشگاه مأموریت‌محور دارد. تحول مأموریت دانشگاه‌ها مستلزم تغییر در رویکردهای آموزشی، توانمندسازی اعضای هیئت علمی و حرکت به سمت آموزش مبتنی بر مسئله است. پژوهش‌های داخلی نشان می‌دهد ارتقای توانمندی استادان و بازطراحی برنامه‌های آموزشی نقش کلیدی در هم‌راستاسازی دانشگاه با نیازهای جامعه دارد (Jamali, 2023). بنابراین قرار گرفتن آموزش و یادگیری در میان ابعاد اصلی مدل، نشان‌دهنده پیوند مستقیم مأموریت دانشگاه با کیفیت سرمایه انسانی تربیت‌شده است.

در خصوص بعد نوآوری و کارآفرینی، نتایج پژوهش حاضر با مطالعات حوزه سیاست‌های نوآوری مأموریت‌گرا همسو است. دانشگاه‌ها به‌عنوان بازیگران اصلی زیست‌بوم نوآوری، نقش تعیین‌کننده‌ای در توسعه فناوری، کارآفرینی و اقتصاد دانش‌بنیان ایفا می‌کنند. سیاست‌های نوآوری مأموریت‌محور دانشگاه‌ها را از مراکز صرف آموزش به موتورهای حل چالش‌های اجتماعی تبدیل می‌کند (Liefner et al., 2025). همچنین توسعه فضاهای نوآوری و زیرساخت‌های دیجیتال امکان گسترش مقیاس فعالیت‌های کارآفرینانه دانشگاه را فراهم می‌آورد (Yang & Hu, 2025). بنابراین تأکید مدل پژوهش بر نوآوری و کارآفرینی بیانگر جهت‌گیری دانشگاه‌ها به سوی نقش‌آفرینی فعال در توسعه اقتصادی منطقه است.

یکی از مهم‌ترین یافته‌های پژوهش حاضر قرار گرفتن بین‌المللی‌سازی در رتبه نخست ابعاد دانشگاه مأموریت‌محور بود. این نتیجه نشان می‌دهد دانشگاه‌های استان مازندران جهانی‌شدن آموزش عالی را به‌عنوان مهم‌ترین مسیر تحقق مأموریت دانشگاهی درک کرده‌اند. پژوهش‌های بین‌المللی نشان می‌دهد که دانشگاه‌های مأموریت‌محور از طریق همکاری‌های علمی جهانی، شبکه‌های دانش و پروژه‌های مشترک تحقیقاتی توانسته‌اند اثربخشی اجتماعی خود را افزایش دهند (Cuesta-Delgado et al., 2024). علاوه بر این، سیاست‌های نوآوری در عصر دیجیتال موجب شده است که تعاملات بین‌المللی به یکی از ارکان اصلی توسعه دانشگاه‌ها تبدیل شود (Yang & Hu, 2025). بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که تمرکز بر بین‌المللی‌سازی بازتابی از تلاش دانشگاه‌ها برای ارتقای جایگاه علمی و افزایش رقابت‌پذیری جهانی است.

در مقابل، پایین بودن رتبه همکاری با صنعت نشان‌دهنده وجود شکاف میان دانشگاه و بخش تولیدی است. این یافته با مطالعات انجام‌شده در آموزش عالی ایران همسو است که بر ضعف ارتباط نظام‌مند میان دانشگاه و صنعت تأکید دارند. چارچوب‌های مأموریت‌گرایی نشان می‌دهد موفقیت دانشگاه‌ها زمانی محقق می‌شود که تعامل با صنعت به بخشی از هویت نهادی دانشگاه تبدیل شود (Fereidooni, 2023). همچنین تجربه دانشگاه‌های اروپایی نشان داده است که اجرای مأموریت سوم بدون مشارکت فعال صنعت امکان‌پذیر نیست (Treidel & Boichenko, 2024).

در نتیجه، رتبه پایین این بعد می‌تواند نشان‌دهنده نیاز فوری به توسعه سازوکارهای همکاری فناورانه، پروژه‌های مشترک و انتقال دانش باشد.

بعد مدیریت دانش نیز از جمله یافته‌های مهم پژوهش محسوب می‌شود. مدیریت دانش به دانشگاه امکان می‌دهد سرمایه فکری خود را سازمان‌دهی کرده و آن را در خدمت اهداف مأموریت‌محور قرار دهد. در سیاست‌های نوآوری مأموریت‌گرا، مدیریت دانش به‌عنوان ابزاری برای هماهنگی میان بازیگران مختلف زیست‌بوم نوآوری معرفی شده است (Mouthaan et al., 2024). بنابراین جایگاه بالای این بعد در نتایج پژوهش نشان می‌دهد دانشگاه‌های مورد مطالعه در حال حرکت به سمت سازمان‌های یادگیرنده و دانش‌محور هستند.

بعد خدمات اجتماعی نیز تأییدکننده تحول نقش دانشگاه از نهاد آموزشی به کنشگر اجتماعی است. مطالعات انجام‌شده درباره مأموریت سوم دانشگاه‌ها نشان می‌دهد که تعامل مستقیم با جامعه، ارائه خدمات تخصصی و مشارکت در حل مسائل محلی از مهم‌ترین شاخص‌های دانشگاه

مأموریت‌محور محسوب می‌شود (Treidel & Boichenko, 2024). همچنین پژوهش‌های داخلی نشان داده‌اند که سازمان‌های مأموریت‌محور بر ارزش‌های اجتماعی، مسئولیت‌پذیری و تعهد نهادی تأکید دارند (Bayat & Moradi, 2022). بنابراین نتایج پژوهش حاضر تأیید می‌کند که دانشگاه‌های استان مازندران در مسیر تقویت نقش اجتماعی خود قرار گرفته‌اند.

در مجموع، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد مأموریت‌گرایی دانشگاهی یک فرآیند سیستمی است که نیازمند هم‌افزایی میان سیاست‌گذاری، ساختار سازمانی، فرهنگ دانشگاهی و تعاملات بیرونی است. دانشگاه‌های مأموریت‌محور از طریق تعریف مأموریت‌های مشخص، ایجاد خردمأموریت‌های عملیاتی و تمرکز بر نوآوری مبتنی بر چالش می‌توانند نقش مؤثرتری در توسعه منطقه‌ای ایفا کنند (Henderson et al., 2024). هم‌راستایی یافته‌های پژوهش حاضر با ادبیات جهانی نشان می‌دهد که الگوی استخراج‌شده قابلیت تبیین وضعیت دانشگاه‌های ایرانی در مسیر تحول آموزش عالی را دارد.

به طور کلی، نتایج پژوهش حاضر تأیید می‌کند که دانشگاه مأموریت‌محور نه صرفاً یک مفهوم نظری بلکه چارچوبی عملی برای بازآفرینی نقش دانشگاه در جامعه معاصر است؛ چارچوبی که در آن آموزش، پژوهش، نوآوری، تعامل اجتماعی و جهانی‌شدن در قالب یک نظام یکپارچه عمل می‌کنند و می‌توانند زمینه‌ساز حکمرانی کارآمد آموزش عالی باشند (Kazemi et al., 2023).

یکی از محدودیت‌های پژوهش حاضر محدود بودن جامعه آماری به دانشگاه‌های استان مازندران بود که ممکن است تعمیم نتایج به سایر مناطق کشور را با احتیاط همراه سازد. همچنین ماهیت مقطعی پژوهش امکان بررسی تغییرات زمانی مأموریت‌گرایی دانشگاه‌ها را فراهم نکرد. استفاده از ابزار پرسشنامه نیز می‌تواند تحت تأثیر ادراک پاسخ‌دهندگان قرار گیرد و احتمال سوگیری پاسخ وجود داشته باشد. علاوه بر این، برخی ابعاد مأموریت‌محوری دانشگاه ماهیتی کیفی و زمینه‌مند دارند که سنجش کامل آن‌ها صرفاً با روش‌های کمی دشوار است.

پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آینده با رویکرد طولی، روند تحول دانشگاه‌های مأموریت‌محور را در بازه‌های زمانی مختلف بررسی کنند. همچنین انجام مطالعات مقایسه‌ای میان دانشگاه‌های مناطق مختلف کشور یا مقایسه بین‌المللی می‌تواند به غنای مدل مفهومی کمک کند. بهره‌گیری از روش‌های ترکیبی پیشرفته مانند تحلیل شبکه‌های نوآوری، مدل‌سازی ساختاری چندسطحی و مطالعات کیفی عمیق نیز می‌تواند درک دقیق‌تری از سازوکارهای تحقق مأموریت دانشگاهی فراهم آورد. بررسی نقش رهبری دانشگاهی، فرهنگ سازمانی و سیاست‌های ملی آموزش عالی نیز از دیگر محورهای پیشنهادی برای تحقیقات آینده است.

بر اساس یافته‌های پژوهش، مدیران دانشگاهی می‌توانند با تدوین اسناد مأموریت روشن و قابل سنجش، جهت‌گیری راهبردی دانشگاه را تقویت کنند. توسعه همکاری‌های بین‌المللی، ایجاد مراکز نوآوری و کارآفرینی، طراحی برنامه‌های آموزشی مسئله‌محور و ایجاد سازوکارهای پایدار

همکاری با صنعت از جمله اقدامات ضروری برای تحقق مأموریت‌گرایی است. همچنین تقویت نظام مدیریت دانش، حمایت از پروژه‌های کاربردی و افزایش مشارکت دانشگاه در حل مسائل اجتماعی منطقه می‌تواند جایگاه دانشگاه را به‌عنوان نهاد پیشرو توسعه منطقه‌ای ارتقا دهد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

موازن اخلاقی

در تمامی مراحل پژوهش حاضر اصول اخلاقی مرتبط با نشر و انجام پژوهش رعایت گردیده است.

تشکر و قدردانی

از تمامی کسانی که در انجام این پژوهش ما را همراهی کردند تشکر و قدردانی به عمل می‌آید.

Extended Abstract

Introduction

Higher education systems across the world are undergoing profound structural transformation as universities increasingly move beyond their traditional roles of teaching and research toward broader societal engagement and problem-oriented innovation. The emergence of the **mission-oriented university** reflects a paradigm shift in which universities are expected to actively contribute to solving complex social, economic, environmental, and technological challenges. In this context, universities are no longer viewed merely as knowledge producers but as strategic actors within innovation ecosystems and regional development frameworks (Kazemi et al., 2023).

The concept of mission-orientation is closely linked to the evolution of innovation policy. Contemporary innovation systems emphasize coordinated action toward defined societal missions rather than fragmented scientific activities. Mission-oriented innovation policies guide universities to align research, education, and collaboration activities with collective societal goals, thereby enhancing the social relevance and effectiveness of academic institutions (Liefner et al., 2025). Universities thus become central hubs connecting government, industry, and civil society in pursuit of shared missions.

At the theoretical level, the development of mission-oriented universities is rooted in the transformation from a dual mission model—education and research—to a **triple mission framework** encompassing education, innovation, and community engagement. Modern universities are expected to foster innovation capacity while

simultaneously promoting social responsibility and public value creation (Profiroiu & Popescu, 2024). The expansion of the university's societal mission has led to increased emphasis on technology transfer, entrepreneurship development, social services, and regional problem solving.

Research indicates that organized research and development structures play a decisive role in mission-oriented innovation performance. Collaborative research teams, institutional infrastructures, and coordinated resource allocation mechanisms allow universities to convert scientific outputs into tangible social and economic impacts (Li et al., 2025). Similarly, empirical analyses of European universities demonstrate a growing shift from purely basic research toward mission-driven and applied research agendas aimed at addressing societal needs (Angori et al., 2024).

The global digital transition has further accelerated this transformation. Digital innovation spaces, maker environments, and knowledge networks have expanded the scale at which universities participate in mission-oriented innovation ecosystems. Universities operating within digitally enabled environments can rapidly mobilize interdisciplinary collaboration and generate challenge-led innovation outcomes (Yang & Hu, 2025). Consequently, mission-orientation has become closely associated with adaptability, technological responsiveness, and global knowledge exchange.

Another important theoretical foundation lies in the "third mission" of universities, which emphasizes interaction with society, industry, and regional stakeholders. Studies examining university mission statements show increasing institutional commitment to social engagement, sustainability, and innovation collaboration beyond academic boundaries (Cuesta-Delgado et al., 2024). Implementing the third mission, however, requires organizational transformation, governance reform, and cultural change within universities (Treidel & Boichenko, 2024).

Despite its advantages, mission-oriented innovation policy also introduces institutional tensions. Universities must balance academic autonomy with external expectations tied to policy goals and societal missions. Managing these contradictions requires new governance models capable of integrating diverse institutional logics while maintaining academic integrity (Mouthaan et al., 2024).

Within the Iranian higher education context, mission-orientation has gained increasing attention as policymakers seek to strengthen university governance, improve responsiveness to labor market needs, and enhance societal impact. Mission-driven approaches have been proposed as mechanisms for aligning university strategies with national development priorities and improving higher education effectiveness (Kazemi et al., 2023). Furthermore, problem-driven frameworks emphasize that mission-orientation should emerge from local capacities, institutional identity, and contextual needs rather than universal models (Fereidooni, 2023). Studies conducted in Iranian universities also highlight the importance of organizational culture, institutional values, and social commitment as prerequisites for mission-oriented transformation. Institutions that embed mission values within their structures demonstrate stronger engagement with societal challenges and community development (Bayat & Moradi, 2022). Additionally, empowering faculty members and

redesigning educational systems are essential steps toward implementing mission-oriented higher education models (Jamali Zavareh et al., 2023).

Given these theoretical and empirical developments, identifying the structural dimensions of mission-oriented universities and understanding their relative importance within specific regional contexts has become an essential research priority. Therefore, the present study aimed to identify and rank the dimensions of mission-oriented universities in the universities of Mazandaran Province.

Methods and Materials

The present research was conducted as an applied study using an exploratory mixed-method design combining qualitative and quantitative approaches. The qualitative phase employed grounded theory methodology to explore expert perspectives and extract conceptual dimensions of mission-oriented universities. Participants included university professors, higher education experts, and senior administrators with extensive professional experience in universities of Mazandaran Province. Purposeful sampling was applied, and interviews continued until theoretical saturation was achieved. Semi-structured interviews were conducted to collect qualitative data, allowing participants to elaborate on institutional missions, university roles, and organizational practices.

Interview transcripts were analyzed through open, axial, and selective coding procedures. Concepts emerging from the qualitative analysis were grouped into categories and synthesized into an initial conceptual framework representing the dimensions of mission-oriented universities. The results of this phase formed the basis for instrument development in the quantitative stage.

In the quantitative phase, a descriptive-survey design was implemented. The statistical population consisted of all faculty members working in universities across Mazandaran Province. A stratified random sampling procedure was applied according to academic rank to ensure representativeness. Based on Cochran's formula, an appropriate sample size was selected.

Data were collected using a researcher-developed questionnaire derived from qualitative findings. The instrument contained 45 items organized across seven conceptual dimensions and measured using a five-point Likert scale. Face validity and content validity were confirmed by academic experts. Construct validity was examined through confirmatory factor analysis, and reliability was assessed using Cronbach's alpha coefficients.

Quantitative data analysis was conducted using statistical software packages. Confirmatory factor analysis evaluated the measurement model and tested relationships between observed variables and latent constructs. The Friedman test was applied to rank the relative importance of mission-oriented university dimensions.

Findings

Qualitative analysis identified seven core dimensions representing the structure of mission-oriented universities: research and development, industry collaboration, teaching and learning, innovation and

entrepreneurship, internationalization, knowledge management, and social services. These dimensions collectively formed the conceptual model tested in the quantitative phase.

Confirmatory factor analysis results indicated that all measurement indicators significantly loaded onto their corresponding latent constructs. Standardized factor loadings exceeded acceptable thresholds, demonstrating strong relationships between observed indicators and theoretical dimensions. All t-values were statistically significant, confirming construct validity and supporting the seven-dimension model of mission-oriented universities.

Model fit indices demonstrated satisfactory goodness-of-fit, indicating that the conceptual model adequately represented empirical data. Reliability coefficients for all dimensions exceeded acceptable levels, confirming measurement consistency.

Results of the Friedman ranking test revealed statistically significant differences among the dimensions. Internationalization achieved the highest mean rank, indicating its dominant role in shaping mission-oriented university performance within the studied context. Knowledge management and social services occupied subsequent ranks, followed by innovation and entrepreneurship, teaching and learning, and research and development. Industry collaboration received the lowest ranking among the dimensions.

These findings suggest that universities in Mazandaran Province emphasize global engagement and knowledge exchange more strongly than industry partnerships. The overall pattern indicates a multidimensional yet uneven development of mission-orientation across institutional functions.

Discussion and Conclusion

The findings demonstrate that mission-oriented universities operate as complex institutional systems integrating educational, research, innovation, and societal engagement functions. The identification of seven interrelated dimensions confirms that mission-orientation extends beyond strategic declarations and requires structural alignment across multiple organizational domains.

The prominence of internationalization suggests that universities perceive global academic interaction as a primary pathway toward institutional development and mission realization. International cooperation enhances academic visibility, promotes knowledge exchange, and expands research opportunities, thereby strengthening institutional competitiveness. Universities increasingly view global engagement as essential for responding to contemporary challenges characterized by interconnected knowledge systems.

The relatively lower ranking of industry collaboration highlights an important developmental gap. While universities demonstrate strong academic and international capacities, institutional mechanisms linking academia with industry appear less mature. Strengthening university–industry partnerships could enhance applied research outcomes, technology transfer, and regional economic development.

The significant position of knowledge management indicates growing recognition of intellectual capital as a strategic asset. Universities that effectively organize, disseminate, and utilize knowledge resources are better positioned to achieve mission-oriented goals. Similarly, the strong ranking of social services reflects an

evolving understanding of universities as socially responsible institutions contributing directly to community well-being.

Innovation and entrepreneurship emerging as mid-level priorities suggest transitional institutional dynamics. Universities are gradually moving toward entrepreneurial models but may still face structural or cultural barriers limiting full integration of innovation ecosystems. Enhancing entrepreneurial infrastructure and interdisciplinary collaboration could accelerate this transformation.

Overall, the results reveal that mission-orientation is not a single institutional attribute but a holistic transformation encompassing governance, academic culture, external engagement, and strategic alignment. Universities capable of integrating these dimensions can play a pivotal role in regional development, innovation capacity building, and societal problem solving.

In conclusion, the study demonstrates that mission-oriented universities require balanced development across international engagement, knowledge management, innovation capacity, educational transformation, and societal interaction. Strengthening underdeveloped dimensions while maintaining existing strengths can enable universities to evolve into adaptive, responsive, and impactful institutions capable of addressing contemporary societal challenges and contributing to sustainable regional development.

References

- Angori, G., Marzocchi, C., Ramaciotti, L., & Rizzo, U. (2024). A patent-based analysis of the evolution of basic, mission-oriented, and applied research in European universities. *The Journal of Technology Transfer*, 49(2), 609-641. <https://doi.org/10.1007/s10961-023-10001-5>
- Bayat, A., & Moradi, M. (2022). Identifying the components of missionary (mission-oriented) organizations at Tehran University of Medical Sciences. *Journal of Health and Treatment Management*, 13(4), 37-48. <https://www.sid.ir/paper/1443445/fa>
- Cuesta-Delgado, D., Barberá-Tomás, D., & Marques, P. (2024). A text-mining analysis of Latin America Universities' mission statements from a 'Third Mission' perspective. *Studies in Higher Education*, 1-19. <https://doi.org/10.1080/03075079.2024.2377371>
- Fereidooni, S. (2023). A framework for mission-orientation in Iranian universities based on the Problem-Driven Iterative Adaptation (PDIA) method: A case study of the University of Guilan. *Quarterly Journal of University Studies*(4), 129-158. https://www.jous.ir/article_475.html
- Henderson, D., Morgan, K., & Delbridge, R. (2024). Putting missions in their place: micro-missions and the role of universities in delivering challenge-led innovation. *Regional Studies*, 58(1), 208-219. <https://doi.org/10.1080/00343404.2023.2176840>
- Jamali Zavareh, B., Nasr Isfahani, A., & Nili, M. R. (2023). *Empowerment of faculty members of universities and higher education centers*. Institute for Research and Planning in Higher Education. <https://ris.ui.ac.ir/fa/profile/book/>
- Kazemi, M., Maharati, Y., & Saberi, E. (2023). Mission-orientation of universities: An effective step towards higher education governance. *Quarterly Journal of Governance and Development*, 3(4), 79-104. https://gd.usb.ac.ir/article_8882.html
- Li, Y., Wang, Z., Imbert Rodriguez, M. A., Liang, Z., & Zhao, L. (2025). Defining organized R&D: collective action for mission-oriented innovation. *Humanities and Social Sciences Communications*, 12(1), 1-15. <https://doi.org/10.1057/s41599-025-05795-8>
- Liefner, I., Brueck, C., Losacker, S., & Zeng, G. (2025). What can mission-oriented innovation policy learn from China? *Science and Public Policy*, 52(6), 826-838. <https://doi.org/10.1093/scipol/scaf023>
- Mouthaan, M., Fünfschilling, L., Piscicelli, L., & Vaskelainen, T. (2024). Coping by Decoupling? Managing Contradictions in Mission-Oriented Innovation Policy. *Managing Contradictions in Mission-Oriented Innovation Policy*. <https://doi.org/10.2139/ssrn.4871083>
- Profiroiu, C. M., & Popescu, R. I. (2024). Education, Innovation and Community: The Triple Mission of Modern Universities. *Transylvanian Review of Administrative Sciences*, 20(SI), 120-132. <https://doi.org/10.24193/tras.SI2024.16>
- Treidel, R. J., & Boichenko, M. (2024). Implementation of the Third Mission of the University: case of Bielefeld University of Applied Sciences. *Filosofiya osvity. Philosophy of Education*, 30(1), 136-160. <https://doi.org/10.31874/2309-1606-2024-30-1-8>
- Yang, C., & Hu, R. (2025). Evolving scales and spaces of mission-oriented innovation policy in the digital age: digital transition of makerspace innovation in Shenzhen, China. *Cambridge Journal of Regions, Economy and Society*, 18(3), 587-604. <https://doi.org/10.1093/cjres/rsaf028>